

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

از : ش. آهنگر
۲۴ حوت ۱۳۸۵

جنبش ۲۴ حوت هرات

علل و عوامل ، پس منظر تاریخی و پیامدهای آن

در آستانه بیست و چهارم حوت هستیم . درست ۲۸ سال قبل در شهر هرات در همین روز مردم قهرمان آن ولایت حرکت جسورانه ای انجام دادند . که برخی آنرا نقطه عطفی در انقلاب میخوانند . برخی دیگر شیپور مرگ رژیم دست نشاندۀ خلق – پرچم نامش می نهند . به نظر من هردوی آن درست است و جا دارد که یاد این روزخونین را همیشه زنده نگهداریم و بر روح پاک شهدای بیگانه این روز و کلیه شهدای راه آزادی وطن درود بفرستیم . و اما در مورد علل و عوامل و نحوه ایجاد حرکت ، عملکرد مردم در آن ، پس منظر تاریخی حرکات توده ئی مردم در هرات، نقش نیروهای سیاسی در آن ، اثرات و پیامدهای جنبش ۲۴ حوت در حوزه غرب و در مجموع کشور . . دیدگاههای متفاوتی طی این بیست و هشت سال ارائه شده که در برخی از آنها اشتباهات و نا آگاهی هائی تبارز کرده است .

نگارنده یکی از شاهدان عینی آن روز هستم که تا حدی از چند و چون آن آگاهی دارم و به همین دلیل برخی از نظرات درینمورد برایم عجیب است . درینجا میکوشم به چند نکته اشاره داشته باشم و امیدوارم بتوانم در روشن شدن قضیه به نسل های امروزی کمک کرده باشم . در قسمت اول نوشته مختصراً به برخی علل و عوامل اساسی اشارتی میکنم و نگاهی خیلی گزراهم به پس منظر تاریخی آن خواهم داشت . در بخش بعدی تأثیرات و پیامدهای جنبش ۲۴ حوت و برخورد نیروهای مختلف را به آن بررسی خواهم کرد .

و اما قبل از همه باید به عرض برسانم که اولاً حرکت مردم هرات در تاریخ ۲۴ حوت ۱۳۵۷ شمسی اتفاق افتاده و نه آنطور که در بعضی نشرات دیده میشود در ۲۴ حوت ۱۳۵۸ ش . لذا این حرکت از جنبش سوم حوت ۱۳۵۸ ش در کابل تقریباً یکسال پیش تر است . بناءً درست است که بگوئیم حرکت ۲۴ حوت ۵۷ ش هرات آغاز یک دوران نوین در انقلاب ، و مردم قهرمان و جانباز هرات طلایه دار این آغاز خونین هستند . دوستانیکه آنرا تداوم و یا تکامل سوم حوت کابل میخوانند در اشتباه اند بلکه عکس آن واقعیت دارد . یعنی حرکت سوم حوت کابل تداوم و تکامل ۲۴ حوت هرات است .

دوم اینکه حرکت ۲۴ حوت ۵۷ ش در هرات قبل از تجاوز و لشکر کشی مستقیم روسها به افغانستان صورت گرفته است و جنبشی است برضد رژیم وابسته و مزدور خلق – پرچم . یعنی مردم هرات در مقابل غلام بچگان روس چنین شوریدند . چه ، روسها به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ ش یعنی ده ماه بعد از حرکت ۲۴ حوت هرات به افغانستان لشکر کشی کردند . در بسیاری از آثار و اسناد نشر شده گفته میشود که ترس از جنبش ۲۴ حوت هرات ، حاکمان خلقی – پرچمی را به تب لرزه مرگ انداخت و آنها از روسها خواستار مداخله مستقیم در دفاع از حاکمیت پوشالی خود و سرکوب خلق کشور ما شدند . در همین ارتباط بود که برای جلب حمایت ارباب ، خیلی پیشرمانه و با وجدان لجن آلود خود شورش به حق **ضد بیگانه پرستی** پابرهنگان هریوا زمین را **تحریک بیگانگان** خواندند . و این کمال و ظنرفروشی خلقی – پرچمیها و اوج انتقام گیری شان از مردم هرات است .

سوم اینکه علی رغم موجودیت پشتوانه تاریخی جنبشهای توده ئی در هرات این حرکت در کلیتیش محصول کار سیاسی و تدارکاتی هیچ گروه و یا تنظیمی نیست هرگونه ادعای سازمان دادن به این حرکت یا موجد بودن، از طرف هرکه باشد ، ادعای نا موقت و گزافه گوئی است . افسانه سازی های فتوای این و آن در به وجود آمدن حرکت ۲۴ حوت هرات رکلامهای فریبکارانه ایست که خود فروشان بازار مکاره سیاست خود را با آن به بازار عرضه

میکنند. این حرکت در کلیتش یک حرکت خود جوش مردمی فقیر بود که مشکلات زندگی شان از حد گذشته ولی به جای رسیدگی به مشکلات شان از کودتا گران ثوری توهین به ارزشها و مقدسات خود دریافت میکردند. چنین وضعی خشم مردم را برانگیخته و آنها را وارد میدان ساخته بود. بناءً هیچ کس قادر به کنترل و سمت دهی و بهره برداری از آن در همان روز نبود. در اواسط روز فقط عده ای تفنگ داروستانی که در میان شان برخی لومپن های معروف نیز دیده میشدند، تبارز بیشتر کردند. عده ای از روشنفکران و یا باسوادان متمایل به سیاست های چپ و یا راست در متن آن چون قطره در دریا برده میشدند، نه اینکه جلودار یا رهبر آن باشند. شرح بیشتر آنرا در سطور بعدی خواهید خواند.

با این حال هیچ حرکتی بدون علت و عوامل وریشه ای در گذشته به وجود آمده نمیتواند. جنبش افتخار آفرین ۲۴ حوت هرات نیز ریشه ای تاریخی و علل و عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را دارد. در اینجا اشارتی کوتاه به آن میکنیم:

۱- **عامل اقتصادی:** افغانستان کشور عقب نگهداشته شده و تقریباً ایستائی بوده که نظامهای حاکم به جای پیشرفت و ترقی بر مردم آن فقر، گرسنگی، استبداد، جهل، بیسوادی، مرض و بلاهائی ازین قبیل راتحمیل کردند. کشور ما در زیر سیطره سلطنت در ابتدائی ترین سطح زندگی عسرو زمانه قرار داشت و مردم فقط با یک زندگی بخور و نمیر با مرگ تدریجی دست و پنجه نرم میکردند.

خلقی - پرچی ها قبل از رسیدن به قدرت برای مردم و عده و عیدهای فراوان از تریبونهای دست داشته شان داده بودند و با رسیدن به قدرت توسط اربابان شوروی شان این وعده و عیدها چند چندان شد و با شعارهای میان تهی "کور، کالی، دودی" (مسکن، لباس، نان) توقعات مردم را بلند بردند. اما همینکه در کرسی های پوشالی قدرت تکیه زدند، به جای خدمت به خلق، به غارت و چپاول هستی مردم و سرکوب و توهین خلق شروع کردند. دستاورد پرطمطراق کودتاگران بی آرم ثوری فقط صدور چند فرمان بی سروته و بی پایه و بی زمینه است که هرگز به تطبیق آن نه اقدام سالم عملی کردند، نه میکردند و نه هم توفیق آنرا یافتند. بناءً وضع اقتصادی مردم روز تاروز بدتر میشد. کشیدن مردم از کار و روزگار و سوق دادن شان به تظاهرات نمایشی به مناسبتهای مختلف، مردم را از لقمه نان بخور و نمیری که از کارشان به دست میآوردند، هم محروم ساخت. علاوهً فرمان به اصلاح اصلاحات ارضی بدون مساعد ساختن زمینه های عینی و ذهنی آن در جامعه و تهیه و تدارک امکانات عملی آن، به جای کمک به دهقانان، آنان را از کشت و کار بازداشت و ملیونها دهقان را به بیکاری و بی روزگاری و دریک جنجال بی نتیجه، نابرابر و بی پشتوانه با زمینداران سوق داد و فقر و گرسنگی بیشتری را دامنگیر شان کرد. بحث مفصل و تحلیلی روی مشکلات اقتصادی که کودتا گران ثور بر مردم ما تحمیل کردند از حوصله این نوشتار مختصر بیرون است. نتیجه و خلاصه عملکرد حاکمیت ثوری چنین بود که به منافع کلیه گروهها و لایه های اجتماعی ضربه زد و آنها را کاملاً از خود رانده و در تقابل با خود قرار داد. فقط به یک مشت افراد عقده مند حزبی و اقشار لومپن و اوپاش جامعه تکیه کرد که آنها هم روز تا روز با عملکردهای وحشیانه خود و چور و چپاول و تجاوز به مال و جان مردم دشمنی مردم را با حاکمیت کودتاچی ثوری بیشتر و بیشتر میساختند. تا آنجا که کاسه صبر مردم لبریز شد و در ولایات مختلف حرکات اعتراضی ضد کودتا گران مزدور ثوری تبارز کرد که نقطه اوج آن حرکت جسورانه و خودگذرانه مردم قهرمان هرات در ۲۴ حوت ۱۳۵۷ ش است. این جنبش برای همیشه بر حاکمیت ضد انقلابی، ضد ملی و ضد مردمی کودتاگران ثور و اربابان شوروی شان مهر بطلان زد و آنرا باخون بیش از بیست هزار قربانی ثبت کتیبه خارا نین تاریخ ساخت. افتخار این حرکت جانبا زانه برای دلیر فرزندان هریوا زمین، اعم از زن و مرد، جاودانه پایاست و ننگ سرکوب آن و ریختن خون آن بیگناهان به طور نازدودنی در دامن کثیف خلقی - پرچمپها تا ابد باقی است.

۲- **عامل سیاسی - نفرت مردم از بیگانه پرستی خلقی - پرچمپها:**

این ویژگی در مردم افغانستان به قول معروف "با شیر اندرون شده باجان بدرشود". مردم قهرمان هرات نیز که چون سایر فرزندان دلباخته وطن هرگز به هیچ بیگانه ای و تحت هیچ نامی سرخم نکرده اند و از رشد فرهنگی - سیاسی نسبی برخوردارند، از هرگونه بیگانه متجاوز و بیگانه پرستی نفرت دارند. هراتیان مخصوصاً به ماهیت برده منشانه و اهداف شوم حزب دموکراتیک خلق (خلق و پرچم) از سالهای دهه ۴۰ ش به ویژه سالهای ۴۷ و ۴۸ ش توسط حلقه ای از روشنفکران خود بیشتر آشنا ساخته شده بودند. تاثیر گسترده این روشنفکران در هرات به حدی بود که هم سلطنت، هم خلقی - پرچمپها و هم اخوانیها همزمان، هر، هراتی مخالف خود، اعم از متعلم، محصل، معلم، مامور دولت، دکاندار، روحانی و ملا امام مسجد را "شعله ای" میگفتند و با آن به حیث یک حریف سیاسی ساخته و پرداخته خود برخورد میکردند. از چهره های سرشناس این محفل میتوان از شهید استاد عبدالاله رستاخیز، شهید نعیم ازهر، شهید انجنیر قدوس ماما، شهید کریم (چهره مردمی و سرشناس هراتی ها)، شهید ماما غلام محمد، شهید انجنیر حفیظ، شهید استاد سلطان احمد، شهید استاد قدوس کارمند، شهید انجنیر رحمان منصور، شهید استاد واجد، شهید محمد آخند زاده، شهید داکتر ایوب نیزک، شهید آصف (برقی) و دهها قهرمان دیگر نام برد. که عده شان را خلقی - پرچمپها از همان اولین روزهای کودتای ثورانتقامجویانه به زندانها انداخته و بعد از شکنجه های

فراوان به دست جنایتکاران خلقی- پرچمی و اربابان روسی شان به شهادت رسانیدند وعده ای هم در جریان مبارزات مسلحانه و غیرمسلحانه بعدی در سنگر آزادی وطن و هموطن شان سرفرازانه جانبخته اند .



شهید ع . رستاخیز	شهید ازهر	شهید کریم	شهید غلام محمد
------------------	-----------	-----------	----------------

این جانبختگان و عده ای دیگر از رهروان راه این قهرمانان که نقشهای برجسته ای در جنبش داشتند ، چهره کریه باند خلق و پرچم وماهیت کودتای ثور را به مردم هرات شناسانده بودند . عملکرد خلقی - پرچمی ها به آن شناخت ، پایه عینی و اثباتی داد . بناءً نفرت مردم هرات از کودتای ثورو ثوریان ریشه سیاسی نسبتاً تاریخی و آگاهانه داشته تا اینکه در روز ۲۴ حوت ۱۳۵۷ ش این نفرت را باخشم زایدالوصفی تبارز دادند .

۳ - عامل فرهنگی - برخوردارهای نابخردانه و تجاوز به ارزشها و نوامیس ملی، فرهنگی و دینی مردم :

خلقی - پرچمی ها که هرگز نتوانسته بودند طی ده سال در هرات به عنوان یک نیروی چشمگیر تبارز کنند ، نسبت به هرات و مردمش عقده مند شده بودند . چنانکه حفیظ الله امین در یک سخنرانی گفته بود : " تا ما هرات را پاک نکنیم و ریشه شعله ای ها را در آنجا نخشکانیم اهداف انقلاب ثور را در افغانستان پیاده کرده نمیتوانیم " . همچنان در جریان بمباردمان هرات به تاریخ ۲۴ و ۲۵ حوت خلقی - پرچمیهای بی آرم از پشت مکروفون های مسجد جامع هرات که توسط بلند گوهائی از گلدسته های (مناره ها) مسجد جامع به سرتاسر شهر پخش میشد ، با وقاحت و بیشرمی اعلان میکردند که " ما مردم هرات را به کار نداریم ، هرات را به تلی از خاک مبدل میکنیم" و... این عقده مندی ها سبب شد که نابخردان خلقی - پرچمی در هرات خشن تر و عجولانه تر عمل کنند ، تا به آرزوی دیرینه شان که تسلط بر هرات بود برسند . در راستای این هدف شان از موضع قدرت به تعرض به ارزشها ، اعتقادات و نوامیس مردم و توهین و به زندان انداختن هراتیان اعم از روشنفکر ، روحانی ، ریش سفیدان ، زنان و خلاصه تعرض و توهین به مجموع هستی مادی و معنوی مردم هرات در شهر و روستا پرداختند . این برخورد نو به دوران رسیده های خلقی - پرچمی نیز عاملی شد که مردم هرات یکدست و یکپارچه به دفاع از حیثیت ، نوامیس و اعتقادات خود مانند دفعات قبل به حرکت درآیند و در ۲۴ حوت ، شهر و روستای شانرا از لوٹ پلید خلقی - پرچمیها پاک بسازند .

جنبش ۲۴ حوت ۵۷ ش اولین حرکت توده نی مردم هرات نیست . هرات طی یک دهه (۴۷ تا ۵۷ ش) جنبش های متعددی در خود داشته که از آنجمله دو حرکت گسترده مردمی یکپارچه در آن به روزهای فراموش ناشدنی بدل شده اند و به حق پشتوانه و پس منظر تاریخی ۲۴ حوت ۱۳۵۷ ش به شمار می آیند .

پس منظر تاریخی جنبش مردمی در هرات

باید به عرض برسانم که مردم هرات در مقاطع مختلف زندگی در برابر ظلم و فشار حاکمیت های مستبد صدای شان را بلند کرده و به اعتراض دستجمعی دست زده اند . یعنی اعتراض علیه ظلم و استبداد سنت پسندیده هراتیان است .

از گذشته های دور ویا حتی مثلاً " از حرکت معروف به جنبش حاجی مختار ویا اعتراض جمعی مردم هرات در برابر سردارها شم خان صدراعظم ودواندن آن تا به بیرون شهرکه بگذریم میتوان از اعتراض مردم در مقابل استبداد و بیعدالتی حکام وقت درسال ۱۳۴۸ ش یاد کرد . درین سال که جنبش دموکراتیک اعتراضی به شکل تظاهرات خیابانی سرتاسرکشور را فرا گرفته بود . در هرات نیز حرکت از مدرسه ی دینی فخرالمدارس در اعتراض علیه حق تلفی ، اختلاس و ضعف اخلاقی مدیران مدرسه که مربوط یکی از خانواده های اشراف به اصطلاح روحانی بود ، آغاز شد . مقامات حاکمه به جای رسیدگی به شکایات طلاب مدرسه ، توسط پولیس به سرکوب آن پرداختند . شاگردان بی پناه فخرالمدارس هم برای جلب کمک به متعلمین مکاتب مراجعه کردند که به

پاسخ مثبت متعلمین مواجه شده و این حمایت به ایجاد یک حرکت گسترده انجامید. درین تظاهرات بود که چهره های نامداری چون کریم و غلام محمد تبارز کردند و با منطق رسا و سخنرانی های غرای شان حمایت همه جانبه مردم را با حرکت خود کمائی نمودند. این تظاهرات چندین روز ادامه پیدا کرد. روز دهم سرطان سال ۱۳۴۸ ش که پلیس به شکل وحشیانه بر تظاهرات مسالمت آمیز متعلمین حمله کرد و فرزندان مردم را به خون کشید، مردم هرات یکپارچه به حمایت از فرزندان خود برخاسته و پلیس را تا مرکز قوماندانی امنیه دواندند. مقامات حکومتی در آن روز به حدی از مردم ترسیده بودند که ۴۸ ساعت از پنهانگاه های شان بیرون نمی آمدند. درین روز حرکت مردم چنان منظم و از طرف سازماندهندگان تظاهرات زیر کنترل بود که ظرف ۴۸ ساعت حاکمیت مردم در تمام شهر کوچکترین بی نظمی صورت نگرفت و حتی به نره ای از اموال مردم و دکانهایی که بازمانده بودند زبانی نرسید. خبر کنترل حاکمیت مردم در شهر هرات همانزمان از رادیوی BBC و رادیوهای دیگری پخش شد. این جنبش به حق بعداً با نیرنگ و زور سرکوب گردید. دهها انسان حق خواه از متعلم و محصل تا مامورین و معلمین و اهل کسبه، مولوی و امام مسجد به نام شعله ای زندانی شدند و بیشتر از ۱۰۰ سال زندان مجموعی بر آنها تحمیل شد. مقاومت و پایداری در زندان و دفاعیه های مستدل و محکم این مبارزین مردم به حیث اسناد افتخار مبارزاتی آن برهه از زمان ثبت تاریخ جنبش گشته است. در همان سال استاد رستاخیز که در زندان دهمزنگ کابل به سر میبرد این روز را با شعری استقبال و توصیف کرد، چند مصرعی از آن زینتبخش این صفحه میکنم.

" بیک توفان قاصد آمال خلق
میرسد رزمنده از مرز کهن

باز میگوید بگویشم
قصه های از هریوا

اینک اینک باز اندر صبحگاهی این چنین روشن
خلق تاریخ آفرینش

انقلابی توده ی شاهین مزاج تیز بینش

مست و توفان خیز می آید به پیش

میزداید از رخ او گرد حرمان

باز میجوشد هریوا

باز میجنبد هریوا

باز میجوشد هریوا

درخروشان رودبار انقلاب توده ها

باز می بندد به توفان دل هریوا

باز...

باز..."

هكذا در بهار سال ۱۳۵۱ ش آنگاه که خشکسالی با تشدید بلای فقر و گرسنگی به عده ای زیادی مردم بلاکشیده ما مرگ را همراه آورده بود و به خاطر نبود یک لقمه نان صدها و هزاران انسان جان خود و فرزندان شان را از دست دادند، موج اعتراض مردم هرات همگانی شد. در آن روزگار سختی که مردم جگر گوشه های شان را برای اینکه زنده بمانند به دیگران واگذار میکردند. آری! در آن لحظات سخت زندگی مردم، در زیر سایه سلطنت، حکمرانان زمان که از هرگونه تنعمی برخوردار بودند، برای حفظ ما تقدم و سود بیشتر خود حیوان منشانه دروازه های گدام های غله را بسته و بر آن محافظ مسلح گماشته بودند و نه تنها به مردم محتاج در حال مرگ حتی در بدل پول به نرخ روز گندم نمیدادند که آنرا بیشرمانه احتکار میکردند. علاوه برین ستمگران حاکم در جلوه کاذبی اعلان کردند که حاضرند در بدل کار به مردم گندم بدهند. مردم حاضر شدند تمام روز را به شاق ترین کارهای جسمی تن بدهند و در بدل آن فقط چند کیلو گندم بگیرند تا از مرگ رهائی یابند. ولی مجریان امور سلطنت خدا داد افغانستان حتا در برابر کار یکماهه مردم در هرات و نواحی آن نیز از پرداخت گندم خودداری کردند. اینجاست که کاسه صبر مردم لبریز شد، فرزندان اصیل مردم نیز به کمک شان شتافتند و عده ای برای بسیج مردم به روستاها رفتند. بعد از یک هفته کار تدارکاتی و سازماندهی منظم به تاریخ دهم حمل سال ۱۳۵۱ ش گردانندگان "محل هرات"، همان چهره های قابل اعتماد و پذیرفته شده در هرات، توانستند جنبش وسیعی را از تمام ولسوالی ها به طرف شهر سرازیر سازند. در آن روز نیز موج توده از روستاها به طرف شهر سرازیر شد. در آن روز نیز بیل و داس و چارشاخ و تبر... دستهای پرابله مردم را زینت میداد و مردم خشمگینانه و به حق شعار مرگ بر دولت سر میدادند. فقط ویژگی آنروز این بود که پیشاهنگان مبارزه با کار تدارکی شان توانسته بودند آن جنبش را نظم بدهند و رهبری کنند. یعنی آن حرکت یک حرکت خودبه خودی نه، بلکه یک حرکت رهبری شده با شعار ها و اهداف مشخص بود که توسط

فرزندان آگاه ، سربه کف و پاکباز مردم هدایت میشد و مردم نیز با شناختی که از آنها داشتند ، به آنها اعتماد میکردند و رهبری شانرا میپذیرفتند .

آری ! طبق برنامه تظاهرکنندگان از هر طرف به سوی چوک شهرنوهرات که میعادگاه تعیین شده بود آمده و در آنجا مستقر شدند . سخنرانان همه درد دل مردم را بیان میکردند و با استقبال پر شور مردم مواجه میشدند . یک نکته جالب این روز به سٹیژ کشیدن وکلای پارلمان یا محاکمه شان درحضور مردم بود که علی رغم میل خود به زد وبندها و عملکردهای ضد مردمی پارلمان و حکومت اعتراف کردند . چنین محاکمه در هیچ جای دیگرکشورسابقه ندارد .

جنبش طبق برنامه مقابل قومندانی امنیه متحصن شده واطظار داد که "اگر همین امشب به مردم هرات گندم توزیع نشود ودرظرف ۴۸ ساعت به ولایات بادغیس ، غور ، فراه ونیمروز که بیشترین صدمه را از خشکسالی دیده اند ، گندم فرستاده نشود مسؤولیت عواقب ناگوار آن به دوش دولت خواهد بود." دولت مرتجع سلطنت که ضرب شست این مردم را درهفتم سرطان سال ۴۸ ش چشیده بود ، ازین موج انسانهای خشمگین ترسیده و عصر همان روز موترهای گندم را پیش روی قومندانی آورده و به مظاهره چپان سپرد که به شکل عادلانه آن توزیع شد . وهمچنان در همان روز به ولایات همجوار نیز کاروانهای گندم ارسال گردید .

جنبش دهم حمل ۱۳۵۱ ش به بازوی مردم وبه رهبری خردمندانه استاد عبدالاله رستاخیز ویران مبارزش (محل هرات) پیروزمندانه به هدفش رسید و مردم با نظم خاصی به روستاهای شان با دست پر برگشتند . این جنبش اولین جنبش توده ئی در کشورما بودکه دور از هر نوع خواست روشنفکرانه با خواست و بازوی توده ها و رهبری روشنفکران پاکباز شان به هدف رسید . هراتیانی که اکنون سن وسال شان از ۴۰ سال گذشته است همه شاهد مؤید آنچه در فوق گفته شد، هستند . همه میدانند که ریشه کار سیاسی منظم در هرات به چه زمانی متعلق است وچه قربانی هائی درین راه داده شده است . هیچ هراتی قدردان و با پاسی نمیتواند نام آن فرزندان مبارزوپاکباز نام آور دیارش را فراموش کند ونه میکند . در همینجا باید متذکرشوم که در تمام این جنبشهای مردمی شیرزنان هراتی شانه به شانه مردان مبارزه کرده و افتخار آفریده اند و سخنوران چیره دست و کادرهای توانمندی هم تقدیم جامعه ساخته اند .

هرات در روزهای دیگری نیز شاهد حرکت یکپارچه مردمش به دفاع از حقوق حقۀ شان بوده است که میتوان از روز چارم اسد سال ۱۳۴۸ ش که نقطه اوج آن در پیش روی قومندانی امنیه هرات بود، یادکرد . درین روز نیز اگر رهبری خردمندانه همان فرزندان مردم نمیبود ، ماجراجویان وحادثه جویان حکومتی که دستهای شان را روی ماشۀ مسلسل ها گذاشته بودند چندین بار کوشیدند بهانه ای به دست بیاورند و مردم را با رگبار سلاح دست داشته شان به خون بکشند . ولی رهبری مظاهره خردمندانه توطنه ها را خنثی میکرد .

به تاریخ ۳۰ میزان ۱۳۴۸ ش نیز مردم در دروازه قندهار به دور فرزندان خود گذرشان جمع شدند . درحین سخنرانی پولیس برآن مظاهره بیرحمانه حمله کرد وجمعی را به خون کشید و سه نفر از رهبران آنرا باضرب و شتم باخود به زندان برد که سالها رنج تبعید وزندان را استوارانه تحمل کردند .

اینها همه پس منظر تاریخی ویا ریشه های تاریخی حرکات دستجمعی و موج آسای مردم هرات هستند و جنبش ۲۴ حوت ۱۳۵۷ ش از چنین یک ریشه و غنای تاریخی آب میخورد . اما خودبه خودی بودن آن درینست که این جنبش با یک کارتدارکی وسازماندهی منظم وارد کار زار نشد و حضور عده تفنگ به دست نظم ناپذیر آنرا از حیطة هرگونه رهبری خارج میکرد . اگر کسانی نا حق ادعای تدارک و رهبری آنرا بکنند ، باید مسؤولیت خطیر قسمتی از آن خون های ریخته شده را هم برعهده بگیرند . ولی واقعیت اینست که آن جنبش رهبری شده نبود . به طور مثال وقتی عده ای به طرف محبس هرات در حرکت شدند تا دروازه محبس را شکسته وزندانان را رها سازند . اهداف خاصی رادر نجات اقارب ویا دوستان شان دنبال میکردند . مردم ازین قضیه بیخبر بودند . هنگامیکه نزدیک محبس به سد محکمی از تانک وزرهبوش و مسلسل مواجه شدند هنوز تصمیم نگرفته مورد رگبار آدمکشان خلقی - پرچمی قرار گرفتند و عده زیادی به خون تپیدند . اینجا دیگر هیچکس قادر نبود جلو خشم مردم را بگیرد و به فکر کم کردن تلفات شود . مردم همچنان پیش میرفتند و وحشیان خلقی - پرچمی بیرحمانه آنها را به خاک و خون میکشیدند یا مثلاً در چوک پای حصار ، مردم از طرف چارسوی شهر کهنه میآمدند وزرهبوش در مقابل شان پشت به دیوار مسجد پای حصار بالای شان رگبار میکرد و دسته دسته به خون میغلتیدند . حماسه یک وطندارما درینجا افسانوی است . جسورمردی دستارش را دورشکم خود بسته ویر مسلسل زرهبوش حمله برد ، خودرابه مسلسل رساند ، ولی فقط جسد مشبکش روی میله مسلسل آرام گرفت . دیگر مسلسل چی بیرحم نمیتوانست به سادگی میله سلاحش را به هر طرف دور بدهد ، بناءً گوشه های از به اصطلاح سنگرش قابل نفوذ شد و مردم از همان خلاء براو یورش بردند و کارش را ساختند . این صحنه حماسی نیز قربانی زیادی گرفت . به همین ترتیب در دروازه قندهار وجاهای دیگر که برای شرح هریک از این حماسه ها وجانابزیهای مردم باید کتابها نوشته شود . بعد از ظهر وبه ویژه شب ، بمباردمان شهر و مردم بی دفاع آن شروع شد که منجر به قتل هزاران انسان بی گناه گردید . شهر به قتلگاه مردم بیگناه بدل شد . حتی برشاخه های درختان نیز پاره های تن انسان دیده میشد . سرکها به خون رنگین بود ، آنچنانکه باری سروده بودم :

هروجب از خاک ما شد کربلا از هزاران بیش عاشورا به پا

و... صحنه بود که وصفش را هیچ وصاف و مرثیه خوانی نمیتواند به درستی بکند. ننگ و نفرین تاریخ بر عاملین خلقی - پرچمی این کشتار وحشیانه مردم برای همیشه باقی است. و هیچ کس حق ندارد عاملین چنین جنایات عظیمی را ببخشد.

تلاشی که در آن روز و فردای آن جهت رهبری جنبش و کم کردن تلفات صورت گرفت این بود که ما از یک عده صاحب منصبانی که در ارتباط با ما بودند، خواستیم که دو چابین (یا دوعراده) تانک در دسترس ما بگذارند که از ستیشن رادیو ریلی هرات محافظت کند. شاید ما با تصرف رادیو ریلی بتوانیم از طریق بلند گوهائی که در سراسر شهر نصب است جلو تلفات را بگیریم و جنبش را به سمت بهتر رهبری کنیم. صاحب منصبان مذکور وعده این کار را دادند ولی در عملی کردن آن توفیق نیافتند و در عوض در فرقه عسکری دست به قیام زدند. عده ای ازین صاحب منصبان خوشبختانه هم اکنون زنده هستند و آنچه من میگویم حتما یادشان است.

به تاریخ ۲۵ یا ۲۶ حوت شبنامه ای پخش شد که ضمن تمجید از مردم و محکوم کردن جنایت رژیم خلق - پرچم، از مردم خواسته بود به قیام کنندگان فرقه عسکری (زلمی کوت) نان و آذوقه برسانند و از عساکر و افسرانی که قیام کرده اند، حمایت کنند. در عین حال از افسران قیام کننده خواسته بود که مردم را مسلح بسازند و خود نیز به مردم بپیوندند تا از تلفات ناشی از بمباردمان فرقه جلوگیری شود. این شبنامه مورد استقبال گرم مردم و صاحبمنصبان و عساکر "شورش" قرار گرفت. عده ای از روشنفکران نیز به روستاها شتافتند و کاروانهای از نان و غذا به طرف زلمی کوت روان شد و عده ای زیادی از مردم نیز از فرقه عسکری سلاح گرفتند. پخش این شبنامه که در پای خود امضای "گمنام" (گروه مبارزین نجات افغانستان - م) راداشت، باز هم به همان ریشه بر میگردد و به ابتکار و توسط همان "محل هرات" صورت گرفته است. اگر کسی کتمان حقیقت نکند، عده زیادی در آن روزها آن شبنامه را دیده و خوانده اند و بر این حقیقت صحه میگذارند. با این حال صادقانه اعتراف میکنیم که ما در تناسب جنبش ۲۴ حوت ۵۷ ش مثل قطره در دریا بودیم، نه تشکل ما و نه هیچ نیروی متشکل دیگری در رهبری آن جنبش عظیم قرار نداشت. عظمت جنبش ۲۴ حوت هرات بالا تر از آن بود که در حیطه سازماندهی و رهبری تشکلات آنزمان بگنجد. لذا هرگونه ادعای سازماندهی کردن و رهبر بودن در آن روز به باور آنانیکه آن روز را دیده اند، نمیگنجد. پیدایش تنظیمها و گروههای جهادی و جبهات چریکی روستائی و شهری در هرات و در مجموع حوزه غرب، حتا باز کردن دفاتر تنظیمهای جهادی در ایران از پیامدهای حرکت ۲۴ حوت ۵۷ هرات به حساب میآیند که صاحب این قلم نیز در سازماندهی و عملکرد قسمتی از آن نقش ناچیزی داشته است و به شرح آن خواهد پرداخت. هکذا اثرات و پیامدهای حرکت ۲۴ حوت در سطح کل کشور بسیار بزرگ و رنگارنگ است و پرداختن به آن کار و فرصت بیشتری را میطلبد که در بخش های بعدی به آن خواهیم پرداخت. و اما شعری را که به همین مناسبت سروده شده و در نشریه "حوت خونین" در سال ۱۳۵۹ ش در هرات نشر شده پایان بخش این قسمت نوشته میسازم.

غوغای خروشان

نوای آخرین ماه زمستان است
و ماه حوت گریان است
دو سه روز دیگر هنگامه ای رفتن به پا دارد
زمستان می رود تا ره گشاید بر بهار نو
و روز بیست و چار حوت
ابر و باد و باران غرش و قهری دگر دارد
زمین گریان، زمان گریان
ز جور خلق و پرچم جمله نالان است.
ولی امروز شهر ما
سرود رزم میخواند
هرات قهرمان یکبار دیگر حاکم تاریخ میگردد
و با فریاد خون
با نعره ای آزادی یا مرگ
بردخیم دوران یورش مردانه می آرد.
هریو باز در خون میکند جولان
سلحشوران، دلیران
از تمامی روستاها
سوی شهر رزم آهنگ سفر دارند
تا آن دشمن دون همت مزدور را
با خون پاک خویش بردارند

وطن گویان وطن گویان
و هم الله اکبر بر زبان
با دست خالی
بادلی سرشار از ایمان به آزادی
به تانک و توپ دشمن حمله آوردند .
و دشمن با قساوت
با دلی آکنده از کین
و مست از باده ای کز بارگاه اجنبی خورده
به روی خلق زحمتکش
به توپ و تانک و رگبار مسلسل میکند آتش
صدای غرش بمب افکن و طیاره از هر سو
فضای شهر را درخود همی پیچد
جوانان دسته دسته غرق درخون میشوند
تا بیرق آزادی و آزادگی را
برفراز شهر خود بالا نگهدارند .
و روح و پیکری حزب پلید "خلق" را
برقلب سرد خاک بسپارند .
و با دندان و چنگ و داس و بیل و مشت کوبنده
به فرق دشمنان این وطن یکدم فرود آرند .
آری !
آری ، دلیران هریوا
شیرمردان زمان
چون گرد میدان
روز را روز قیام و
شهر را شهر شهادت ساختند و
درس مردی و شهامت را
نگار دفتر زرین تاریخ وطن کردند .
خروشان باد این غوغا
شتابان باد این زورق
بسوی ساحل پیروزی فردا .

هرات ، ۲۴ حوت
آهنگر